

پژوهشنامه حج و زیارت
سال سوم، شماره ششم
پاییز و زمستان ۱۳۹۷
صفحات ۱۳۶ - ۱۰۹

کاوشی درباره مدفن فاطمه بنت اسد علیها السلام

* نعمت الله صفری فروشانی *

** عمار ابوطالبی **

چکیده

اهل سنت همواره قبری خارج از بقیع را به عنوان مدفن فاطمه بنت اسد علیها السلام معرفی کرده‌اند. در حالی که شیعیان همیشه او را در قبه اهل بیت علیهم السلام زیارت کرده‌اند و این یعنی دو مکان، یکی خارج از بقیع و دیگری ابتدای بقیع به عنوان مدفن او شناخته شده است. گزاره‌های تاریخی از قرن سوم نشان می‌دهد، قبر ایشان در ابتدای بقیع امروزی است. اما از نیمه دوم قرن ششم برای اولین بار قبه‌ای در انتهای بقیع به عنوان مزار بنت اسد رؤیت و گزارش شده است. بررسی و جمع‌بندی گزاره‌های تاریخی نشان می‌دهد پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله همه کسانی را که در عهد ایشان وفات یافته‌اند، جایی در ابتدای بقیع امروزی دفن کرده‌اند و با توجه به علاقه وافر پیامبر صلی الله علیه و آله به فاطمه بنت اسد، نمی‌توان پذیرفت او از این قاعده مستثنا شده باشد. اگر این موارد را به گزارش‌های مبتنی بر دفن امام حسن علیه السلام و عباس بن عبدالمطلب در کنار ایشان بیفزاییم، نتیجه این خواهد بود که قبر او در بقعه اهل بیت علیهم السلام است. این نوشتار درصدد است با پژوهشی روشمند و با استفاده از منابع اصیل، مدفن این بانو را مشخص کند.

کلید واژه‌ها: فاطمه بنت اسد، مزار فاطمه بنت اسد، بقیع، سفرنامه‌های حج

* استاد گروه تاریخ مجتمع آموزش عالی امام خمینی رحمته الله علیه وابسته به جامعه المصطفی العالمیه

(nsafari8@gmail.com)

** دانشجوی دکترای شیعه‌شناسی دانشگاه ادیان و مذاهب (نویسنده مسئول)

(ab.ammar1376@chmail.ir)

فاطمه بنت اسد (۴ ق) از معدود چهره‌های سرشناس صدر اسلام است که پس از قرن‌ها هنوز مزارش معروف و شناخته شده است. در طی قرون متمادی قبه‌ای در انتهای بقیع به عنوان مزار این بانو معرفی شده، و مورد تکریم مسلمانان بوده است. اما شیعیان همواره قبر او را در بقعه اهل بیت علیهم السلام می دانستند. از سوی دیگر در طول تاریخ اسلام، اهل سنت این قبر را متعلق به صدیقه طاهره علیها السلام دانسته و ایشان را در این مکان زیارت کرده‌اند.

گفتنی است هرچند گزارش سفرنامه نویسان از قرن ششم تا چهاردهم قبه‌ای در انتهای بقیع را منتسب به ایشان می دانند، اما گزاره‌های تاریخی مطلب دیگری را بیان می دارد.

پیشینه تحقیق

هرچند تاکنون پژوهش مستقلی درباره محل دفن فاطمه بنت اسد صورت نپذیرفته، اما کتاب‌های تراجم مانند طبقات الکبری، معرفة الصحابة، استیعاب، اسد الغابة، الاصابة و برخی از کتاب‌های تاریخ و سیره مانند المنتظم، تاریخ الهدی، امتاع الاسماع، تاریخ مناقب الطاهرين، تاریخ الاسلام، سبل الهدی و... معرفی بسیار کوتاهی از فاطمه بنت اسد ارائه، و حداکثر بخشی از جریان رحلت و دفن ایشان را گزارش کرده‌اند.

در کتاب‌هایی مانند اخبار المدینه ابن زبالة، تاریخ المدینه المنوره ابن شَبَّه، علل الشرایع، مقاتل الطالبیین و وفاء الوفاء، مدفن فاطمه بنت اسد در بقیع ذکر شده است و برخی از آنها راجع به محل دفن وی توضیح مختصری آورده و جایی در ابتدای بقیع امروزی را به عنوان مدفن او نام برده‌اند که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد. سفرنامه‌های حج نیز همگی از قبه‌ای در انتهای بقیع به عنوان مزار او یاد کرده‌اند.

بنابراین، گزاره‌های تاریخی و گزارش سفرنامه‌های حج در مورد محل دفن ایشان در تعارض هستند.

کتاب‌هایی مانند علی بن امه و ابیه، فاطمة بنت اسد حجر النبوة و الامامة، فاطمة بنت اسد والدة الامام امیرالمؤمنین علیه السلام درباره شخصیت بنت اسد نگاشته شده، اما برای حل این تعارض اقدامی صورت نداده‌اند.

تألیفات مرتبط با بقیع مانند الروضة الفردوسیه و الحضرة القدسیه، الروضة المستطابة فیمن دفن بالبقیع من الصحابة، بقیع الغرقد فی دراسة شاملة، تاریخ حرم ائمه بقیع، البقیع قصة تدمیر آل سعود، بقیع الغرقد و آرمیدگان در بقیع یا به این تعارض اشاره نکرده‌اند و یا اینکه گذرا از آن عبور کرده‌اند.

همان‌طور که در ادامه نیز ذکر خواهد شد، شخصیت‌هایی مانند سخاوی (۹۰۲ ق) سمهودی (۹۱۱ ق) ابن حجر هیتمی (۹۷۴ ق) عباسی (۱۰۳۵ ق) و... در صحت انتساب قبه انتهای بقیع به فاطمه بنت اسد تردید کرده‌اند، اما در صدد حل تعارض بین گزاره‌های تاریخی و گزارش سفرنامه‌های حج نبوده‌اند. این نوشتار در نظر دارد با تتبع در منابع مختلف تاریخی، جغرافیایی، سیره، انساب، تراجم و سفرنامه‌های حج، به اندازه بضاعت خود و به صورت روشمند به روشن شدن حقیقت کمک کند.

فاطمه بنت اسد

وی دختر اسد بن هاشم بن عبدمناف است که نسل اسد بن هاشم با ذریه او استمرار یافت (مصعب بن عبدالله، ۱۹۹۹، ص ۹۱). فاطمه همسر حضرت ابوطالب (عموی پیامبر صلی الله علیه و آله) و مادر طالب، عقیل، جعفر، امیرالمؤمنین علیه السلام و ام هانی است (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۱۷۸). در ایامی که به امیرالمؤمنین علیه السلام حامله بود، در حال

طواف خانه خدا درد زایمان به سراغ او آمد. در این حال خانه خدا شکافته شد و او فرزندش را در بیت الله به دنیا آورد (مسعودی، ۱۳۸۴، ص ۱۳۳). وی اولین بانوی هاشمی است که فرزندش خلیفه شد (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۱۸۹۱) و اولین بانویی است که پیاده و با پای برهنه از مکه به مدینه هجرت کرد (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۲، ص ۴۷۴) و در زمره صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله شمرده شده است (ابن حبان، ۱۴۰۸، ص ۲۰۹).

تا وقتی فاطمه بنت اسد در قید حیات بود، پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله به منزل او می رفتند (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۱۷۸). روزی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ضمن صحبت راجع به قیامت فرمودند همه در آن روز عریان محشور می شوند که فاطمه بنت اسد گفت: «وای از آن حال نکبت بار!» در این هنگام حضرت صلی الله علیه و آله دعا کردند که او پوشیده وارد محشر شود. زمانی دیگر وقتی از عذاب قبر سخن به میان آمد، او از این مسئله اظهار اندوه و ناراحتی کرد و پیامبر صلی الله علیه و آله دعا کردند خداوند عذاب قبر را از او دور گرداند (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۲، ص ۴۷۴).

وقتی در سال چهارم هجری قمری امیرالمؤمنین علیه السلام با چشمانی اشکبار خبر وفات مادرشان را به پیامبر صلی الله علیه و آله دادند، حضرت گریستند و فرمودند: «او برای من مادر بود». آن گاه عمامه و پیراهن خود را به ایشان دادند و فرمودند مادرت را با اینها کفن کن. پس از تغسیل و تکفین، او را تشییع کردند و به بقیع بردند. آنجا پیامبر صلی الله علیه و آله با چهل تکبیر بر پیکر او نماز گزارند. عمار گفت: «یا رسول الله، پدر و مادرم به فدای شما، امروز نمازی خواندید که تاکنون برای هیچ کس نخوانده بودید؟» فرمودند: «چرا این گونه نباشد، درحالی که او و ابوطالب که فرزندان زیادی داشتند، نیکی بسیاری به من روا می داشتند؛ مرا سیر می کردند، درحالی که خودشان گرسنه بودند؛ به من لباس می پوشاندند، درحالی که خودشان لباسی

نداشتند و... دیدم که در سمت راستم چهل صف از ملائکه ایستاده‌اند. برای هر صفی یک تکبیر گفتم». آن‌گاه به اتفاق امیرالمؤمنین علیه السلام داخل قبر شدند و لحظاتی داخل قبر او خوابیدند (شیخ صدوق، ۱۳۷۶، ص ۳۱۴) و فرمودند: «بعد از ابوطالب هیچ کسی برای من نیکوکارتر از او نبود» (ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۹، ص ۲۸). این کار را کردم تا خداوند عذاب قبر را از او دور گرداند» (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۱۸۹۱). پس از آنکه برای او تلقین خواندند، فرمودند: «به خدا قسم از قبر او خارج نشدم، مگر اینکه دیدم دو چراغ از نور کنار سرش، و دو چراغ از نور کنار پای اوست و دو ملک در قبر او هستند و تا قیامت برایش استغفار می‌کنند» (شیخ صدوق، ۱۳۷۶، ص ۳۱۵).

مدفن فاطمه بنت اسد

ابن شَبَّه (۲۶۲ ق) می‌گوید: بعد از دفن عثمان بن مظعون (۲ ق) پیامبر صلی الله علیه و آله سنگی بر مزار او گذاشتند و فرمودند: «هرکسی از خاندانم را که فوت کرد، نزدیک او دفن خواهم کرد» (ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۰۲). گزارش‌های تاریخی نیز حکایت از آن دارد که پیامبر صلی الله علیه و آله رقیه (۲ ق) (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۸، ص ۲۹ و ۳۰) و ابراهیم (۱۰ ق) (همان، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۰۸-۱۱۵) را که در زمان حیات ایشان وفات یافتند، نزدیک عثمان بن مظعون دفن نموده‌اند. اکنون سؤال اینجاست که ایشان در سال چهار هجری فاطمه بنت اسد را کجا دفن کردند؟ آیا نشانه‌ای وجود دارد که بتوان با آن مدفن او را شناسایی کرد؟ منابع مختلف، دو جای متفاوت را به عنوان مدفن ایشان معرفی می‌کنند: دسته‌ای مکانی در ابتدای بقیع، و گروهی دیگر جایی در شمال شرق قبر عثمان در انتها و بیرون از بقیع را محل دفن ایشان می‌دانند.

۱. انتهای بقیع

از نیمه دوم قرن ششم برخی منابع، از جمله سفرنامه‌های حج، مزار ایشان را نزدیک قبه خلیفه سوم گزارش کرده و به توصیف آن پرداخته‌اند:

برخی از ایشان گفته‌اند مزار فاطمه بنت اسد نزدیک عثمان است (ابن جبیر، ۲۰۰۸، ص ۱۵۵؛ ابن مازه، ۱۳۹۲، ص ۲۰۸؛ شریشی، بی تا، ج ۲، ص ۲۷۷)؛

گروهی دیگر نیز گفته‌اند قبر او در شمال قبه عثمان در جایی به نام حُمام است (الانصاری الجزیری الحنبلی، ۱۳۸۴، ص ۶۴۳-۶۴۵؛ المرجانی، بی تا، ج ۲، ص ۱۰۳۸؛ خوارزمی، بی تا، ج ۲، ص ۳۵۱؛ فیروزآبادی، ۲۰۰۲، ج ۲، ص ۵۱۲؛ مطری، ۱۴۲۶، ص ۳۵۱)

برخی دیگر از منابع و سفرنامه‌ها بدون نام بردن از عثمان، مزار فاطمه بنت اسد را انتهای بقیع یا به صراحت خارج از آن گزارش می‌کنند: «قبر فاطمه بنت اسد ... که قبه‌ای بر فراز آن است در آخر بقیع قرار دارد» (ابن نجار، ۲۰۰۶، ص ۴۶۲)؛

برخی دیگر قبر او را بیرون از دیوار بقیع و کنار قبر ابوسعید خدری دانسته‌اند (مکناسی، ۲۰۰۳، ص ۲۶۱؛ مهندس، ۱۳۸۹، ص ۵۲۴): «در پشت قبرستان بقیع ... بقعه کوچک سفیدکاریست ... از در که وارد می‌شوی طرف یمین قبر حضرت فاطمه بنت اسد است» (محمدحسین فراهانی، سفرنامه مکه (۵۰ سفرنامه حج قاجاری ج ۵ به کوشش رسول جعفریان؛ تاریخ سفر ۱۳۰۲ ق، ص ۲۴۲)؛

برخی دیگر نیز با تعبیر مختلف به بقعه فاطمه بنت اسد در خارج از بقیع اشاره کرده‌اند (شیرازی، ۱۳۸۹، ص ۴۷۹؛ عصمت السلطنه، ۱۳۸۹، ص ۳۶۷؛ فرهادمیرزا معتمدالدوله، ۱۳۸۹، ص ۱۹۷؛ ناشناخته، ۱۳۸۹، ص ۷۹۷؛ هدایت، ۱۳۸۹، ص ۴۱۱؛ «وصف مکه و وصف المدينة الطيبة و وصف بیت المقدس»، ۱۳۹۳، ص ۱۱).

بنابراین ابن مازه (۵۵۲ ق) در نیمه دوم قرن ششم اولین منبعی است که مزار این بانو را انتهای بقیع معرفی کرده و پس از او سایر منابع، قبه‌ای در انتهای بقیع را به عنوان قبر ایشان گزارش کرده‌اند.

نقد و بررسی این قول

با توجه به روایتی که بر اساس آن پیامبر ﷺ مدفن عثمان بن مظعون را نشانه گذاری کردند تا نزدیکانشان را مجاور او دفن کنند و نیز با در نظر گرفتن محلی که ایشان در سال‌های دوم و دهم برای دفن دو تن از فرزندان‌شان انتخاب کردند و با توجه به جایگاه و مکانت بنت اسد نزد پیامبر ﷺ این احتمال تقویت می‌شود که حضرت او را نیز در سال چهارم هجری نزدیک فرزندان‌شان دفن کرده باشند.

از سوی دیگر در سال ۳۵ هجری با ممانعت از دفن خلیفه سوم در بقیع، او را در حش کوكب، جایی بیرون از بقیع دفن کردند (ابن اثیر، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۴۹۱؛ ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۱۳؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵، ج ۳۹، ص ۵۲۶؛ ابن قتیبه، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۶۵؛ ابن کثیر، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۱۹۰؛ فیروزآبادی، ۲۰۰۲، ج ۲، ص ۵۱۱ و ۵۱۲؛ مطری، ۱۴۲۶، ص ۱۲۰) و گفته شده، عثمان اولین نفری بود که در آن مکان دفن شد (سیوطی، ۱۴۲۵، ص ۱۹۳). پس قبل از او هیچ کس در آن منطقه دفن نشده بود. بنابراین، قول به دفن فاطمه بنت اسد در انتها و بیرون بقیع با این تعابیر در تعارض است و نمی‌تواند صحت داشته باشد.

گفتنی است مکان منسوب به مزار بنت اسد که در زمان پیامبر ﷺ رحلت کرده، تا حدود نیمه اول قرن چهارده هجری همچنان خارج از بقیع بوده است. بنابراین، چطور ممکن است در سال چهارم هجری پیامبر ﷺ فاطمه بنت اسد را جایی دفن کنند که چهارده قرن بعد داخل بقیع شده باشد؟

نظریه تدفین او در انتها و خارج از بقیع در برخی منابع تاریخ مدینه و سفرنامه‌های حج نیز با مخالفت‌هایی روبه‌رو شده است؛ کما اینکه برخی از زائران فرهیخته مدینه نیز عملاً ایشان را در جایی غیر بقعه منسوب به او زیارت می‌کردند که به آنها اشاره می‌شود.

الف) منابع تاریخ مدینه

سمهودی (۹۱۱ ق) مورخ مشهور مدینه، و عباسی (۱۰۳۵ ق) دیگر تاریخ‌نگار مدینه، هر دو در صحت انتساب قبه بیرون بقیع به بنت اسد تشکیک می‌کنند. سمهودی بعد از ذکر اقوال تاریخی و مشاهدات میدانی خود درباره مزار بنت اسد و با استناد به روایت ابن شَبَّه و با تعبیر «و الأثبت عندی» می‌گوید: «به نظر بعید است که پیامبر صلی الله علیه و آله با ترک مکان نزدیک به عثمان بن مظعون، او را در مکانی بسیار دور دفن کرده باشند؛ درحالی که این مکان اساساً در آن زمان خارج از بقیع بوده است» (سمهودی، ۲۰۰۱، ج ۳، ص ۲۷۴). عباسی نیز مانند او بعد از نقل اقوال مختلف درباره محل دفن فاطمه بنت اسد می‌گوید: «همه اینها با آنچه امروزه به عنوان مدفن او شناخته می‌شود، مخالفت دارد و بعید است پیامبر او را بیرون بقیع دفن کرده باشند» (العباسی، بی تا، ص ۱۲۸). محمد کبریت الحسینی (۱۰۷۰ ق) نیز که درباره تاریخ مدینه صاحب تألیف است، با استناد به کلام ابن حجر هیتمی معتقد است قبه منسوب به بنت اسد هیچ صحت ندارد (حسینی مدنی، ۱۴۱۷، ص ۲۰۵).

ب) سفرنامه‌های حج

عیاشی (۱۰۷۲ ق) فقیه و محدث مغربی (عیاشی، ۲۰۰۶، ج ۱، ص ۳۷۷) و پس از او ابن طیب فاسی (۱۱۳۹ ق) امام و مفتی حرمین شریفین و قاضی القضاة فاس (الشرقی الفاسی، ۲۰۱۴، ص ۴۸۸) در سفرنامه‌های حجشان با استناد به حدیث پیش گفته، معتقدند هر کس از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله که در زمان حیات ایشان فوت کرده، نزدیک عثمان بن مظعون دفن شده است. رفعت پاشا (۱۳۰۶ ق) افسر عالی‌رتبه ارتش و امیرالحاج مصر نیز با اشاره به همین حدیث می‌گوید: «شکی نیست که محل دفن او در ابتدای بقیع کنونی بوده و محال است او را خارج بقیع دفن کرده باشند» (صبری پاشا، ج ۴، ص ۹۷۰).

ج) سایر منابع

سخاوی (۹۰۲ ق) محدث و مورخ مدینه در کتابی با موضوع تراجم اعیان مدینه، ضمن ضعیف دانستن مزار منسوب به بنت اسد می‌گوید: «اقرّب آن است که او نزدیک عثمان بن مظعون دفن شده است» (سخاوی، ۲۰۰۹، ج ۱، ص ۱۲۷). ابن حجر هیتمی (۹۷۴ ق) فقیه، محدث و مفتی شافعی مکه نیز در یکی از تألیفاتش که به آداب زیارت نبوی اختصاص دارد، انتساب قبه انتهای بقیع را به بنت اسد صحیح نمی‌داند (ابن حجر هیتمی، ۱۴۳۴، ص ۲۰۵).

د) برخی زائران فرهیخته

علی‌رغم آنکه قرن‌ها مکانی در انتهای بقیع به عنوان مزار بنت اسد قبه و بارگاه داشته، اما برخی زائران که با مباحث دینی یا تاریخی آشنایی داشتند، اساساً آن را صحیح ندانسته و مزار او را جایی در ابتدای بقیع کنونی می‌دانستند:

- صبح زود آمدند که «آقا جمال» مرحوم شده است ... برخاسته، رفته جمع آوری جنازه او را کرده، در «بقیع»، وصل به حرم محترم در طرف قبله جلو قبر «حضرت فاطمه بنت اسد علیها السلام» مدفون شده (وزیر و ظایف، ۱۳۸۹، ص ۵۸۰):

- حضرت امام حسن و حضرت امام زین‌العابدین و حضرت امام محمدباقر و حضرت امام جعفر صادق علیهم السلام و حضرت علیّه عالی مرتبه فاطمه زهرا علیها السلام و حضرت علیّه فاطمه بنت اسد علیها السلام ... در یک بقعه و بارگاه هستند ولی مدفن هر کدام معلوم است (قشقایی، ۱۳۸۸، ص ۱۴۶).

جمع بندی نظریه انتهای بقیع

بنا بر آنچه تاکنون ذکر شد، قبه فاطمه بنت اسد در انتها و خارج از بقیع عاری از صحت و مخدوش است. از سوی دیگر از آنجاکه این مکان تا حدود یک قرن

پیش، خارج از بقیع بوده است، اساساً نظریه تدفین ایشان در آن مکان پذیرفتنی نیست و نمی‌توان پذیرفت پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در سال چهار هجری او را خارج از بقیع دفن کرده باشند.

۲. ابتدای بقیع

تتبع در منابع مختلفی که در ادامه به آنها اشاره خواهد شد، نشان می‌دهد این بانو جایی در ابتدای بقیع امروزی مدفون است. دسته‌ای از منابع، مسجد فاطمه (بیت‌الحنن)، منطقه روحاء، خانه عقیل و مقبره ابراهیم را مدفن فاطمه بنت اسد می‌دانند. طرفداران این نظریه ضمن آنکه نشانه‌هایی برای مدفن ایشان ارائه می‌کنند، از برخی گزاره‌های تاریخی نیز برای اثبات نظرشان بهره می‌برند که به تفصیل از آنها سخن خواهیم گفت.

گزاره‌های تاریخی مدفن فاطمه بنت اسد

با جست‌وجو در منابع مختلف به گزاره‌های تاریخی‌ای برمی‌خوریم که مدفن فاطمه بنت اسد را توصیف می‌کنند یا آن را نشان می‌دهند. این گزاره‌ها در مجموع، چهار مکان را به عنوان مدفن این بانو معرفی می‌کنند:

الف) مسجد فاطمه (بیت‌الحنن)

ابن شَبَّه (۲۶۲ ق) می‌گوید: «وقتی فاطمه بنت اسد وفات کرد، او را در جای مسجدی دفن کردند که امروزه آن را قبر فاطمه می‌نامند» (ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۲۳). آن‌گاه در ضمن بیان محل دفن عباس بن عبدالمطلب می‌گوید: «آن مسجد مقابل مزار او بنا شده است» (همان، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۲۷؛ سمهودی، ۲۰۰۱، ج ۳، ص ۲۹۲). وی در جای دیگری آورده است: «برای [عباس ابن عبدالمطلب] در موضع مسجدی که امروز آن را قبر فاطمه می‌گویند، قبری حفر کردند» (ابن شبه

نمیری، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۲۳ و ۱۲۴).

مسجدی که قبر عباس را مقابل آن، و بار دیگر در همان موضع گفته‌اند و زمانی آن را قبر فاطمه خوانده‌اند، همان مسجد فاطمه است که بعدها بدان بیت‌الحزن و اخیراً بیت‌الاحزان گفته‌اند. بنابراین، برخی بیت‌الحزن را مدفن فاطمه بنت اسد رضی الله عنها می‌دانستند.

ب) منطقه روحاء

ابن زباله (۱۹۹ ق) ابوالفرج اصفهانی (۳۵۶ ق) ابن بابویه (۳۸۱ ق) سمهودی (۹۱۱ ق) و عباسی (۱۰۳۵ ق) گفته‌اند پیامبر صلی الله علیه و آله فاطمه بنت اسد را در منطقه روحاء و مقابل حُمام ابی قتیفه دفن کرده‌اند: «أن رسول الله صلی الله علیه و آله دفن فاطمة بنت أسد ... بالروحاء مقابل حُمام أبي قتیفة» (شیخ صدوق، بی تا، ج ۲، ص ۴۶۹؛ ابن زباله، ۲۰۰۳، ص ۲۰۸؛ ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۹، ص ۲۹؛ العباسی، بی تا، ص ۱۲۸؛ سمهودی، ۲۰۰۱، ج ۳، ص ۲۷۴). اکنون باید بررسی کرد تا معلوم شود روحاء و حمام ابی قتیفه چه هستند و در کجا واقع شده بودند؟

موقعیت جغرافیایی روحاء

ابن زباله (۱۹۹ ق) ابن شَبَّه (۲۶۲ ق) و سمهودی (۹۱۱ ق) روحاء را همان جایی می‌دانند که عثمان بن مظعون دفن شده و این محل در کنار خانه محمد ابن زید است. مستند آنها نیز روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله است که از جنوب شرق خانه عقیل تا خانه محمد بن زید در شرق قبر ابراهیم را روحاء نامیده‌اند (ابن زباله، ۲۰۰۳، ص ۲۰۸؛ ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۰۰ و ۱۰۱؛ سمهودی، ۲۰۰۱، ج ۳، ص ۲۶۹).

ابن نجار (۶۴۲ ق) نیز محل دفن فاطمه بنت اسد را روحاء دانسته اما در

تطبیق، آن را جایی در انتهای بقیع معرفی کرده است (ابن نجار، ۲۰۰۶، ص ۴۶۲ و ۴۶۳). ابن شَبَّه (۲۶۲ ق) با ذکر روایت دیگری از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله از خانه محمد بن زید تا انتهای بقیع آن زمان، یعنی از شرق قبر ابراهیم تا منتهی الیه شرقی بقیع آن زمان را به عنوان روحاء معرفی کرده است (ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۰۰).

سمهودی (۹۱۱ ق) بعد از نقل این روایات این گونه نتیجه می‌گیرد که هرچند دو روحاء بوده: یکی از جنوب شرق خانه عقیل (یعنی از حدود مزار امام حسن علیه السلام) تا شرق مزار ابراهیم و دیگری از شرق مزار ابراهیم تا انتهای بقیع آن زمان، اما مراد از روحاء در این روایات، همان روحاء اول است و آن، مکانی است در وسط بقیع که به این نام شهرت داشته است (سمهودی، ۲۰۰۱، ج ۳، ص ۲۷۰). ابن شدقم (بعد از ۱۰۹۰ ق) ضمن بیان محل دفن امام حسن علیه السلام نشانی دقیق‌تری از روحاء ارائه کرده و گفته است: «مدفن ایشان در اول مقابر بنی هاشم در خانه عقیل و در منطقه روحاء مقابل حمام ابی قطفیه است» (ضامن بن شدقم، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۴۲).

سامرایی نیز با بیان اینکه در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله بنی هاشم امواتشان را در منطقه روحاء دفن می‌کردند، آن را جایی نزدیک قبر ابراهیم می‌داند که قبر دختران پیامبر صلی الله علیه و آله و فاطمه بنت اسد آنجاست (خلیل ابراهیم السامرائی و نائر حامد محمد، ۱۹۸۴، ص ۷۹). بنابراین به منطقه‌ای از بقیع که از حدود قبر ابراهیم شروع می‌شده و تا محل دفن امام حسن علیه السلام امتداد داشته است، روحاء می‌گویند.

حمام ابی قطفیه

عمرو بن ولید بن عقبه، شاعر اموی، معروف به ابی قطفیه (مرزبانی، بی تا، ص ۹۴) درخت نخلی در بقیع داشت که به حمام ابی قطفیه مشهور بود. برخی

منابع حُمَام را مقابل روحاء معرفی کرده‌اند (ابن زبالة، ۲۰۰۳، ص ۲۰۸؛ ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۱۹، ص ۱۲۹؛ العباسی، بی تا، ص ۱۲۸؛ سمهودی، ۲۰۰۱، ج ۳، ص ۲۷۴؛ ضامن بن شدقم، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۴۲؛ محلی، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۳۲)؛ اما مکان دقیق آن را مشخص نکرده‌اند.

بنا بر آنچه راجع به روحاء گفته شد، این حُمَام نیز باید ابتدای بقیع کنونی باشد. ابن نجار (۶۴۳ ق) برای اولین بار از نخلی در انتهای بقیع صحبت کرده که به آن حَمَام می‌گویند (ابن نجار، ۲۰۰۶، ص ۴۶۳). اما پس از او ابن عساکر (۶۸۶ ق) اولین شخصی است که حُمَام را نخلی در انتهای بقیع معرفی کرده و گفته است مزار فاطمه بنت اسد آنجاست: «و قبر فاطمة بنت اسد فی آخر البقیع عند نخل يعرف بالحُمَام» (ابن عساکر، بی تا، ص ۹۱). سایر منابع به تبع ابن نجار، حُمَام را جایی در انتهای بقیع و شمال قبه عثمان معرفی کرده‌اند (مطری، ۱۴۲۶، ص ۱۲۰؛ آقشهری، ۲۰۱۰، ج ۱، ص ۲۶۳؛ المرجانی، بی تا، ج ۲، ص ۱۰۳۸؛ فیروزآبادی، ۲۰۰۲، ج ۲، ص ۲۱۵؛ خوارزمی، بی تا، ج ۲، ص ۳۵۱؛ الانصاری الجزیری الحنبلی، ۱۳۸۴، ص ۶۴۳ - ۶۴۵).

اما سمهودی (۹۱۱ ق) معتقد است نخل‌های شرق و شمال مزار منسوب به بنت اسد، همان جایی است که در قدیم و زمان او به آن «خضاری» می‌گفتند؛ یعنی قسمتی از حش کوكب که در سال ۳۵ قمری عثمان در آنجا دفن شد (السیوطی، ۱۴۲۵، ص ۱۲۷؛ بکری، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۴۵۰) و حُمَام نیز جایی در شمال مزار ابراهیم و کنار تلی از خاک است و همین تشابه اسمی منشأ این توهم شده است (سمهودی، ۲۰۰۱، ج ۳، ص ۲۷۴ و ۲۷۵).

بنابراین، با توجه به نظر سمهودی مبنی بر اینکه منطقه انتها و بیرون بقیع خضاری نام داشته، به نظر می‌رسد تشابه اسمی میان نخلی در انتهای بقیع و

نخلی به همین نام در ابتدای بقیع، باعث اشتباه در تعیین محل دفن بنت اسد شده است. ابن شدقم (۱۰۹۰ ق) نیز حُمام را در روحاء، اما مقابل مزار امام حسن علیها السلام می‌داند.

بنابراین، سه جا را به عنوان محل حمام شناخته‌اند: اول نخلی در انتهای بقیع؛ دوم نخلی در شمال قبر ابراهیم؛ سوم جایی مقابل مزار امام حسن علیها السلام. اما از آنجاکه روحاء منطقه‌ای در وسط بقیع آن زمان و ابتدای بقیع امروزی بوده که از بیت‌الاحزان تا مزار ابراهیم امتداد داشته است و با توجه به نظر سمهودی درباره نخل‌های انتهای بقیع، در نهایت دو جا به نام حمام شناخته شده است که هر دو در ابتدای بقیع کنونی قرار داشته‌اند.

ج) خانه عقیل

ابن شَبَّه (۲۶۲ ق) و به تبع او سمهودی (۹۱۱ ق) و فرشی (۱۰۳۸ ق) معتقدند فاطمه بنت اسد در ابتدای مقابر بنی‌هاشم در خانه عقیل دفن شده است: «قبر فاطمة بنت أسد ... فی أول مقابر بنی‌هاشم التي فی دار عقیل» (ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۲۷؛ سمهودی، ۲۰۰۱، ج ۳، ص ۲۹۲؛ فرشی، ۱۳۹۵، ص ۹۵). از سوی دیگر گفتیم که امام حسن علیها السلام نیز در ابتدای مقابر بنی‌هاشم دفن شده‌اند. پس مقصود از خانه عقیل، همان مقابر بنی‌هاشم است که به محدوده مدفن امام حسن علیها السلام اطلاق می‌شده و گفتیم که به آنجا روحاء نیز می‌گفتند. پس قول به دفن او در خانه عقیل یا در مقابر بنی‌هاشم یا در روحاء هر سه به یک محدوده اشاره دارد.

د) قبه ابراهیم

ابن زباله (۱۹۹ ق)، سمهودی (۹۱۱ ق)، عباسی (۱۰۳۵ ق)، عیاشی (۱۰۷۲ ق)

و ابن طیب فاسی (۱۱۳۹ ق) مدفن ایشان را در قبه ابراهیم معرفی کرده‌اند (ابن زباله، ۲۰۰۳، ص ۲۰۸؛ الشرقی الفاسی، ۲۰۱۴، ص ۴۸۸؛ سمهودی، ۲۰۰۱، ج ۳، ص ۲۷۴ و ۲۷۵؛ عیاشی، ۲۰۰۶، ج ۱، ص ۳۷۸)؛ کما اینکه برخی زائران نیز او را در این بقعه زیارت می‌کردند: «مشهد ابراهیم را زیارت کردیم ... قبر فاطمه بنت اسد نیز در این مشهد است» (العباسی، بی‌تا، ص ۱۲۲؛ القیسی، ۱۹۶۸، ص ۴۸۸).

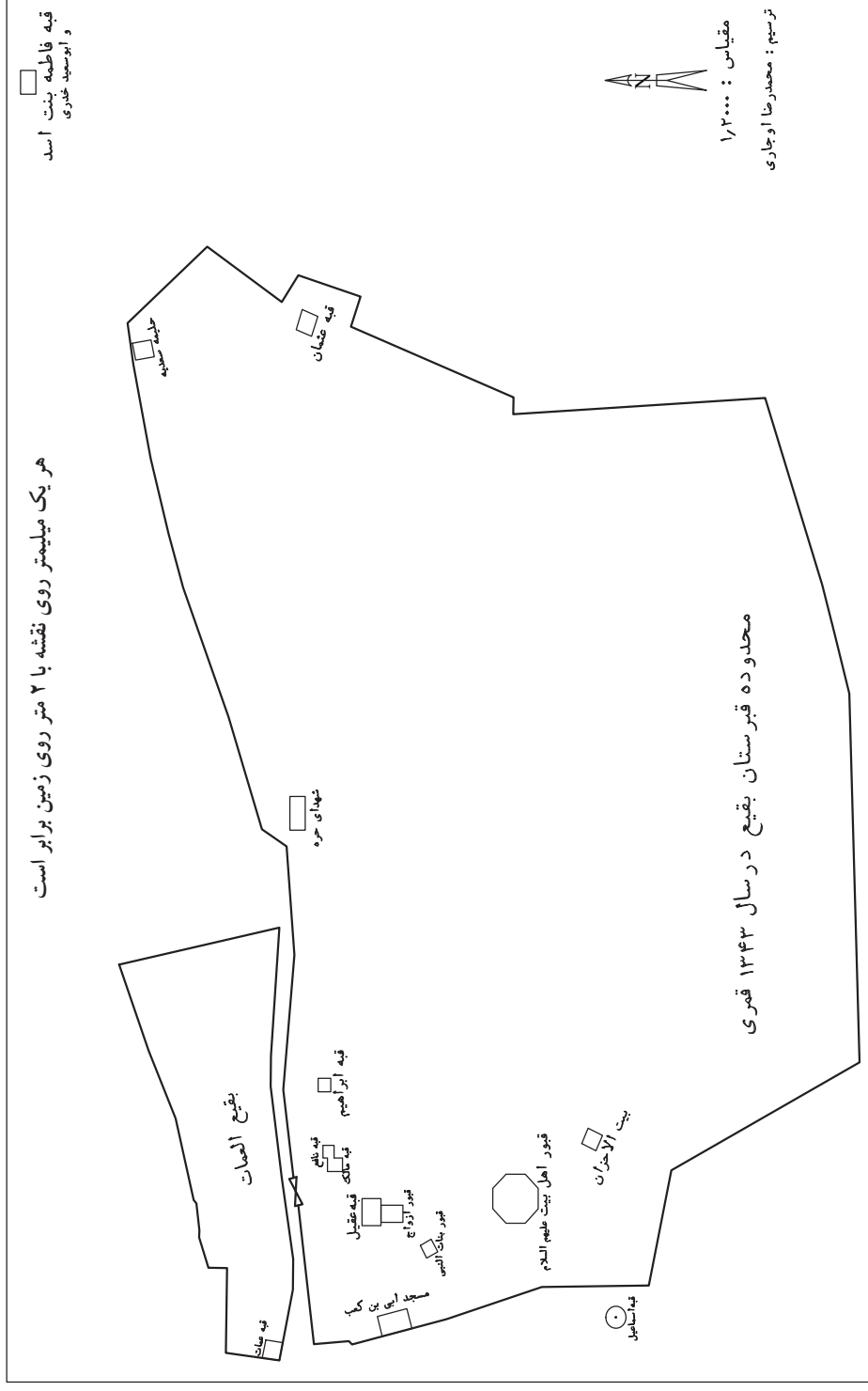
جمع‌بندی گزاره‌های تاریخی

بنا بر آنچه تاکنون گفتیم، گزاره‌های متعدد تاریخی مدفن فاطمه بنت اسد را جایی در ابتدای بقیع امروزی توصیف کرده‌اند. هرچند آنها ظاهراً وحدت ندارند و چهار مکان مختلف را بیان می‌کنند، اما دقت بیشتر در این مورد به ما نشان می‌دهد که می‌توان همه اینها را در دو مکان دسته‌بندی کرد:

اول: مکانی که شامل مدفن امام حسن علیه السلام، عباس بن عبدالمطلب و بیت‌الحنین است؛ چراکه هر سه تقریباً یک‌جا واقع شده‌اند؛

دوم: مکانی که از قبر ابراهیم تا خانه عقیل را شامل می‌شود؛ چون این دو نیز با کمی تسامح، تقریباً در یک مکان قرار دارند. البته با لحاظ اینکه خانه عقیل را از حدود قبر ابراهیم تا قبر عقیل بدانیم.

روحاء نیز که نام بخشی از بقیع است، هر دو مکان را در برمی‌گیرد و همه اینها در ابتدای بقیع امروزی قرار دارند.



نشانه‌های مزار فاطمه بنت اسد

بعد از جست‌وجو در منابع برای یافتن نشانی از مدفن بنت اسد، به دو نشانه برخوردیم که اکنون نیز در بقیع مشخص و معلوم است و فریقین بر آن اتفاق نظر دارند و بر اساس این نشانه‌ها می‌توان محل مزار بنت اسد را در بقیع مشخص کرد:

۱. دفن عباس بن عبدالمطلب کنار ایشان

عباس عموی پیامبر ﷺ در سال ۳۲ قمری از دنیا رفت (ابن اثیر، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۶۳؛ ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۴، ص ۲۲). منابع دست اول تاریخ اسلام، مدفن عباس را کنار فاطمه بنت اسد معرفی کرده‌اند: «دفن العباس بن عبدالمطلب عند قبر فاطمة بنت أسد» (ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۲۷). پس از ابن شَبَّه (۲۶۲ ق) سمهودی (۹۱۱ ق) و عباسی (۱۰۳۵ ق) نیز قبر او را کنار تربت بنت اسد معرفی کرده‌اند (سمهودی، ۲۰۰۱، ج ۳، ص ۲۹۲؛ العباسی، بی‌تا، ص ۱۲۸).

۲. دفن امام حسن علیه السلام کنار ایشان

بین ارباب تراجم و سیره مشهور است که امام حسن علیه السلام در سال ۵۰ قمری در جوار مادرشان در بقیع دفن شده‌اند: «الحسن بن علی بن أبی طالب علیه السلام ... دفن بقیع الغرقد مع أمه فاطمة علیه السلام» (ابن عساکر، ۱۴۱۵، ج ۱۳، ص ۲۸۹؛ دمیری، بی‌تا، ج ۱، ص ۹۰؛ دیاربکری، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۷۸؛ مسعودی، بی‌تا، ص ۲۶۰).

ابن نجار (۶۴۳ ق) روایتی نقل می‌کند که بر اساس آن، منقذ گورکن (حفار) می‌گوید در فاصله حدود ۳،۵ متری از خانه‌اش قبری حفر کرده و آنجا سنگ قبری یافته که روی آن نوشته: «این قبر فاطمه دختر رسول خداست». آن‌گاه نتیجه می‌گیرد قبر دختر رسول خدا علیه السلام در قبه اهل بیت علیهم السلام بوده و امام حسن علیه السلام نیز کنار ایشان مدفون هستند (ابن نجار، ۲۰۰۶، ص ۴۵۶).

اما برخی منابع مدفن امام حسن علیه السلام را کنار مادر بزرگشان، فاطمه بنت اسد، معرفی، و با عبارتهای مختلف به این مسئله اشاره کرده و گفته‌اند امام حسین علیه السلام غسل و کفن و تدفین برادرشان را برعهده گرفتند و او را کنار مادر بزرگش فاطمه بنت اسد دفن نمودند: «تَوَلَّى أَخُوهُ الْحُسَيْنُ علیه السلام غُسْلَهُ وَ تَكْفِينَهُ وَ دَفَنَهُ عِنْدَ جَدَّتِهِ فَاطِمَةَ بِنْتِ أَسَدٍ» (طبرسی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۴۰۳؛ ابن شهر آشوب، بی تا، ج ۴، ص ۲۹).

برخی دیگر از منابع ضمن روایتی از امام صادق علیه السلام معتقدند امام حسن علیه السلام وصیت کردند پیکرشان را بعد از تجدید عهد با پیامبر صلی الله علیه و آله به بقیع ببرند و در کنار فاطمه بنت اسد دفن کنند (مفید، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۱۷؛ قطب راوندی، بی تا، ص ۱، ص ۲۴۲؛ بحرانی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۶۵؛ ابن عنبة، ۱۴۱۷، ص ۶۱). شیخ طوسی نیز ضمن بیان محل دفن امام صادق علیه السلام، مدفن امام حسن علیه السلام را کنار فاطمه بنت اسد می‌داند (طوسی، بی تا، ج ۶، ص ۷۸؛ مجلسی، ۱۳۶۵، ج ۹۷، ص ۲۱۹).

چهار منبع سنی مذهب الفصول المهمة، کفایة الطالب، نزهة المجالس و عمدة الاخبار نیز مدفن امام حسن علیه السلام را کنار فاطمه بنت اسد می‌دانند (ابن صباغ، بی تا، ج ۲، ص ۷۴۰؛ گنجی، بی تا، ص ۴۱۵؛ صفوری، بی تا، ج ۲، ص ۳۲۷؛ العباسی، بی تا، ص ۱۲۸). بنابراین، منظور از فاطمه در نقلی که می‌گوید امام حسن علیه السلام کنار مادرش فاطمه دفن شده، فاطمه بنت اسد است.

اکنون باید دید منظور از «ام» در روایات چیست؟ آیا در لغت عرب و صدر اسلام این تعبیر برای مادر بزرگ نیز به کار رفته است؟

معنای أم در لغت

خلیل بن احمد (۱۷۵ ق) می‌گوید: «به هر چیزی که ضمایم و پیوسته‌های بعدی و آینده‌اش به او مربوط باشد و به آن منضم شود، ام گویند» (خلیل بن احمد، بی تا، ج ۸، ص ۴۲۶). راغب (۵۰۲ ق) نیز معتقد است:

«أم» یعنی کسی که انسان را زاده است. البته به کسی که مادر را زاده - یعنی مادر بزرگ - نیز «أم» گفته می‌شود و به همین دلیل در گذشته به مادر بزرگ نیز «ام» گفته‌اند؛ مانند حوا هر چند بین ما و او قرن‌ها فاصله است. همچنین به کسی که دیگری را تربیت کرده باشد، «ام» گویند (راغب اصفهانی، بی‌تا، ص ۸۵).

ابن منظور (۷۱۱ ق) نیز در بیان معنای «ام» می‌گوید: «اصل و تکیه‌گاه هر چیزی و هر آنچه را اشیای دیگر به آن منضم شوند، ام گویند» (ابن منظور، بی‌تا، ج ۱۲، ص ۳۱ و ۳۳).

بنابراین، هر چند معنای اول و اصلی «أم» مادر است، استفاده از آن برای مادر بزرگ یا کسی که انسان را تربیت می‌کند نیز حقیقت بوده، صحیح است.

استعمال أم در عرف صدر اسلام

در عرف مردم نیز مادر اعم است از أم یا جدّه یا کسی که فردی را تربیت کرده است. در صدر اسلام جد و جدّه را نیز أب و أم می‌گفتند؛ کما اینکه پیامبر ﷺ فاطمه بنت اسد را که در خانه او رشد یافته بودند، مادر خطاب می‌کردند (ابومخرمه، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۸۳).

طبق نقلی که در طبقات الکبری آمده است، امام حسن علیه السلام فرموده‌اند مرا نزد پدرم دفن کنید: «ادفونی عند أبي». آن‌گاه ابن سعد (۲۳۰ ق) می‌گوید: «یعنی النبی صلی الله علیه و آله؛ یعنی رسول خدا. در ادامه این روایت ابوهریره نیز از پیامبر صلی الله علیه و آله - جد امام حسن علیه السلام - با تعبیر «اب» یاد کرده و گفته است پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله را آوردند تا نزد پدرش دفن شود: «فهذا ابن نبی الله قد جیء به لیدفن مع أیبه» (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۱۰، ص ۳۴۰).

پس در عرف صدر اسلام استعمال اب و ام برای پدر بزرگ و مادر بزرگ امری طبیعی و متداول بوده است. حال به قرینه اینکه امام حسن علیه السلام «أب» را به معنای پدر بزرگ به کار برده‌اند، بعید نیست که منظورشان از «أم» نیز

مادربزرگشان بوده باشد.

بنابراین، اگر روایات محل دفن امام حسن علیه السلام که تعبیر «أمی فاطمة» دارند تقطیع یا تحریف نشده باشد، حداقل این است که مورخان و محدثان در تعیین مصداق «أم» اشتباه کرده‌اند و منظور از ام در این روایات، فاطمه بنت اسد است و قبر ایشان کنار امام حسن و عباس بن عبدالمطلب قرار دارد.

قبه انتهای بقیع از کیست؟

ابن شبه (۲۶۲ ق) گزارش کرده که قبر سعد بن معاذ (۵ ق) در انتهای بقیع است و گنبد کوچکی روی آن ساخته‌اند (ابن شبه نمیری، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۱۲۵). شاید همین مطلب باعث شده برخی منابع که منکر دفن فاطمه بنت اسد در انتهای بقیع هستند، این قبه را متعلق به سعد بن معاذ بدانند:

- در این مشهد در واقع قبر سعد بن معاذ است (سخاوی، ۲۰۰۹، ج ۱، ص ۱۲۷)؛
- شایسته است در اینجا به سعد بن معاذ سلام دهند (سمهودی، ۲۰۰۱، ج ۳، ص ۳۰۵)؛

- اقرب آن است که اینجا مشهد سعد بن معاذ است...؛ چون آنچه قدما گفته‌اند، تنها بر او تطبیق می‌کند (ابن حجر هیتمی، ۱۴۳۴، ص ۲۰۵)؛

- [درباره] قبر فاطمه بنت اسد... در آخر بقیع... ابن حجر هیتمی گفته این موضوع اصالت نداشته، سندی ندارد؛ بلکه آن قبر سعد بن معاذ است (حسینی مدنی، ۱۴۱۷، ص ۲۰۵)؛

- مشهد فاطمه بنت اسد... در دورترین نقطه مکان بقیع، ظاهر آن است که آن قبر سعد بن معاذ است (العباسی، بی تا، ص ۱۳۲؛ نابلسی، ۱۹۹۸، ج ۳، ص ۱۳۴؛ صبری پاشا، ج ۴، ص ۹۸۸).

اما منابع تاریخی معتقدند سعد در جایی که بعدها کنار خانه عقیل واقع شد

مدفون است:

- سعد بن معاذ چسبیده به خانه عقیل دفن شد (ذهبی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۳۲۵)؛
- برای او جایی که امروز کنار خانه عقیل است، قبری حفر کردیم ... معاذ بن
رفاعه نیز گفته سعد بن معاذ چسبیده به خانه عقیل دفن شد (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۳،
ص ۳۳۰).

وقتی سعد در زمان حیات رسول خدا ﷺ وفات یافته است، بعید می نماید او
را خارج از بقیع آن زمان دفن کرده باشند و از آنجا که خانه عقیل در ابتدای بقیع
امروزی بوده، بنابراین، قبه انتهای بقیع به سعد بن معاذ نیز متعلق نیست و او را
همچون فاطمه بنت اسد در ابتدای بقیع امروزی دفن کرده اند.

نتیجه گیری

برای مدفن فاطمه بنت اسد دو مکان ذکر شده است: یکی انتها و دیگری ابتدای
بقیع. مکانی که از قرن ششم تا قرن چهاردهم خارج از بقیع و دارای گنبد و بارگاه
بوده است، با ادله ای که ذکر شد نمی تواند مدفن ایشان باشد. از سوی دیگر برخی
منابع دو مکان عمده را در ابتدای بقیع به عنوان مزار ایشان معرفی کرده اند: اولی
جایی است از بیت الحزن تا قبر عقیل و دومی از قبر عقیل تا قبر ابراهیم که هر دو
در روحاء و در ابتدای بقیع کنونی هستند.

از سوی دیگر گزارش های تاریخی حکایت از آن دارد که همه کسانی که در
عهد رسول خدا ﷺ وفات یافته اند، در ابتدای بقیع امروزی و در اطراف قبر عثمان
بن مظعون دفن شده اند. بنابراین، مدفن فاطمه بنت اسد نیز در ابتدای بقیع است. در
همین حال طبق روایات شیعه، امام حسن علیه السلام و بر اساس گزاره های تاریخی، عباس
ابن عبدالمطلب در کنار فاطمه بنت اسد دفن شده اند. بنابراین، مزار فاطمه بنت اسد
در بقعه اهل بیت علیهم السلام و در ابتدای بقیع واقع شده است.

در پایان باید گفت به نظر می‌رسد اگر در معرفی مکانی در انتهای بقیع به عنوان مدفن فاطمه بنت اسد غرضی در کار نبوده باشد، اشتباه در تطبیق «حُمَام» باعث این خطا شده است. هرچند احتمال داده می‌شود برخی برای آنکه از قبح دفن عثمان خارج از بقیع بکاهند، قبر این بانو را نیز در انتها و بلکه خارج از بقیع معرفی کرده و برای او گنبد و بارگاه نیز بنا کرده‌اند.

فهرست منابع

۱. ابن اثير، على بن محمد (١٤٠٩)، **أسد الغابة في معرفة الصحابة**، بيروت - لبنان، دار الفكر.
۲. ابن جبیر، محمد بن احمد (٢٠٠٨)، **تذكرة بالأخبار عن اتقافات الأسفار**، بيروت - لبنان، المؤسسة العربية للدراسات و النشر، دار السويدی.
۳. ابن حبان، محمد (١٤٠٨)، **تاریخ الصحابة الذين روى عنهم الأخبار**، تحقيق بوران ضناوى، بيروت - لبنان، دار الكتب العلمية، منشورات محمد على بیضون.
۴. ابن حجر هيثمى، احمد بن حجر (١٤٣٤)، **الجواهر المنظم في زيارة قبر الشريف النبوى المكرم**، بيروت - لبنان، دار الحاوى
۵. ابن زبالة، محمد بن حسن (٢٠٠٣)، **اخبار المدينة، تحقيق صلاح عبدالعزيز زين السلامة**، مدينه منوره - عربستان، مركز بحوث و دراسات المدينة المنورة.
۶. ابن سعد، محمد بن سعد (١٤١٠)، **الطبقات الكبرى**، بيروت - لبنان، دار الكتب العلمية.
۷. ابن شبة نميرى، عمر بن شبة (١٤١٠)، **تاريخ المدينة المنورة**، تصحيح فهم محمد شلتوت، قم - ايران، دار الفكر.
۸. ابن شهر آشوب، محمد بن على (بى تا)، **المناقب**، قم - ايران، علامه.
۹. ابن صباغ، على بن محمد (بى تا)، **الفصول المهمة في معرفة الأئمة**، قم - ايران، مؤسسه علمى فرهنگى دار الحديث، سازمان چاپ و نشر.
۱۰. ابن عبدالبر، يوسف بن عبد الله (١٤١٢)، **الاستيعاب في معرفة الأصحاب**، بيروت - لبنان، دار الجيل.
۱۱. ابن عساکر، على بن حسن (١٤١٥)، **تاريخ مدينة دمشق**، بيروت - لبنان، دار الفكر.
۱۲. ابن عساکر الدمشقى، عبدالصمد بن عبدالوهاب (بى تا)، **إتحاف الزائر و إطفاف المقيم للسائر في زيارة النبى ﷺ**، تحقيق حسين محمد شكرى، شركة دار الأرقم بن أبيالأرقم.
۱۳. ابن عنبة، احمد بن على (١٤١٧)، **عمدة الطالب في أنساب آل ابى طالب**، قم - ايران، مؤسسة أنصاريان للطباعة و النشر.
۱۴. ابن قتيبه، عبدالله بن مسلم (١٤١٠)، **الإمامة و السياسة**، تحقيق على شيرى، بيروت - لبنان، دار الأضواء.
۱۵. ابن كثير، اسماعيل بن عمر (١٤٠٧)، **البداية و النهاية**، بيروت - لبنان، دار الفكر.
۱۶. ابن مازة، محمد بن عمر (١٣٩٢)، **لطائف الاذكار**، تصحيح رسول جعفریان، تهران -

- ايران، نشر علم.
١٧. ابن منظور، محمد بن مكرم (بى تا)، لسان العرب، بيروت - لبنان، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع.
١٨. ابن نجار، محمد بن محمود (٢٠٠٦)، الدرّة الثمينّة في اخبار المدينة، تصحيح صلاح الدين بن عباس شكر، مركز بحوث و دراسات المدينة المنورة.
١٩. ابوالفرج اصفهاني، على بن حسين (١٤١٩)، مقاتل الطالبين، تحقيق احمد صقر، بيروت - لبنان، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
٢٠. ابو مخرمه، طيب بن عبدالله (١٤٢٨)، قلادة النحر في وفيات أعيان الدهر، تحقيق بوجمعة عبدالقادر مكرى و خالد زوارى، بيروت - لبنان، دار المنهاج.
٢١. انصارى الجزيرى الحنبلى، عبدالقادر بن محمد (١٣٨٤)، الدرر الفرائد المنظمة في اخبار الحاج و طريق مكة المعظمة، قاهره - مصر، المطبعة السلفية.
٢٢. آقشهري، محمد بن احمد (٢٠١٠)، الروضة الفردوسية و الحضرة القدسية، تحقيق قاسم السامرائى، لندن - انگليس، مؤسسة الفرقان للتراث الإسلامى.
٢٣. بحراني، راشد بن ابراهيم (١٤٢٩)، مختصر في تعريف أحوال سادة الأنام النبى و الإثنى عشر الإمام عليهم أفضل الصلاة و
- السلام، تحقيق نبيل رضا علوان، قم - ايران، باقيات.
٢٤. بكرى، عبدالله بن عبدالعزيز (١٤٠٣)، معجم ما استعجم من أسماء البلاد و المواضع، بيروت - لبنان، عالم الكتب.
٢٥. حسيني مدنى، محمد كبريت (١٤١٧)، الجواهر الثمينّة في محاسن المدينة، بيروت - لبنان، دار الكتب العلمية.
٢٦. خليل بن احمد (بى تا)، كتاب العين، قم، مؤسسه انتشارات هجرت.
٢٧. خوارزمى، محمد بن اسحاق (بى تا)، إثارة الترغيب و التشويق إلى المساجد الثلاثة و البيت العتيق، مكة مكرمة - عربستان، مكتبة نزار مصطفى الباز.
٢٨. دميرى، محمد بن موسى (بى تا)، حياة الحيوان الكبرى، بيروت - لبنان، دار الكتب العلمية.
٢٩. دياربكرى، حسين بن محمد (بى تا)، تاريخ الخميس في أحوال أنفس النفيس، بيروت - لبنان، دار صادر.
٣٠. ذهبى، محمد بن احمد (١٤١٣)، تاريخ الاسلام و وفيات المشاهير و الأعلام، تحقيق عمر عبد السلام تدمرى، بيروت - لبنان، دار الكتاب العربى.
٣١. راغب اصفهاني، حسين بن محمد (بى تا)، مفردات ألفاظ القرآن، بيروت - لبنان، دار

- الشامية.
٣٢. سامرائى، خليل ابراهيم و تائر حامد محمد (١٩٨٤)، المظاهر الحضريّة للمدينة المنورة فى عصر النبوة، موصل - عراق، مكتبة بسام.
٣٣. سخاوى، محمد بن عبدالرحمن (٢٠٠٩)، التحفة اللطيفة فى تاريخ المدينة الشريفة، مدينه منوره - عربستان، مركز بحوث و دراسات المدينة المنورة.
٣٤. سمهودى، على بن عبدالله (٢٠٠١)، وفاء الوفا باخبار دار المصطفى، تحقيق قاسم السامرائى، مؤسسة الفرقان للتراث الإسلامى.
٣٥. سيوطى، عبدالرحمن بن ابى بكر (١٤٢٥)، تاريخ الخلفاء، تحقيق حمدى دمرداش، مكتبة نزار مصطفى الباز.
٣٦. شرقى الفاسى، محمد بن الطيب (٢٠١٤)، الرحلة الحجازية، تحقيق نورالدين شوبد، ابوظبى - امارات، دار السويدى للنشر و التوزيع.
٣٧. شريشى، احمد بن عبدالؤمن (بى تا)، شرح مقامات الحريرى، بيروت، دار الكتب العلمية.
٣٨. شيخ صدوق، محمد بن على (١٣٧٦)، أمالى شيخ صدوق، تهران - ايران، كتابچى.
٣٩. _____، (بى تا)، علل الشرائع، قم، مكتبة الداورى.
٤٠. شيرازى، نايب الصدر (١٣٨٩)، سفرنامه مکه (٥٠ سفرنامه حج قاجارى به كوشش رسول جعفریان) تاريخ سفر ١٣٠٥ق، تهران - ايران، نشر علم.
٤١. صبرى پاشا ايوب (n.d)، مرآت الحرمين، قسطنطينية، بحرية.
٤٢. صفورى، عبدالرحمن بن عبدالسلام، (بى تا)، نزهة المجالس و منتخب النفائس، بيروت - لبنان، دار الكتب العلمية.
٤٣. ضامن بن شدم (١٣٧٨)، تحفة الأزهار و زلال الأنهار فى نسب ابناء الأئمة الأطهار عليهم صلوات الملك الغفار، تهران - ايران، كتابخانه تخصصى تاريخ اسلام و ايران.
٤٤. طبرسى، فضل بن حسن (١٣٧٦)، إعلام الورى بأعلام الهدى، (ط - الحديثة) قم - ايران، مؤسسة آل البيت للإحياء التراث.
٤٥. طوسى، محمد بن حسن (بى تا)، تهذيب الأحكام، تحقيق خرسان، تهران - ايران، دار الكتب الإسلامية.
٤٦. عباسى، احمد بن عبدالحميد (بى تا)، عمدة الاخبار فى مدينة المختار، تصحيح محمد طيب الانصارى، مدينه منوره - عربستان، اسعد درابزونى الحسينى.
٤٧. عصمت السلطنة، دختر فرهاد ميرزا (١٣٨٩)، سفرنامه مکه (٥٠ سفرنامه حج قاجارى

- به کوشش رسول جعفریان) تاریخ سفر ۱۲۹۷ق. تهران - ایران، نشر علم.
۴۸. عیاشی، عبدالله بن محمد (۲۰۰۶)، الرحلة العیاشیة، تصحیح سعید الفاضلی، ابوظبی - امارات، دار السویدی للنشر و التوزیع.
۴۹. فرشی (۱۳۹۵)، ذراع مدینه (۵۰ سفرنامه حج قاجاری به کوشش رسول جعفریان) تاریخ تألیف ۱۰۴۲-۱۰۳۷، قم - ایران، نشر مؤرخ.
۵۰. فرهاد میرزا معتمد الدوله (۱۳۸۹)، سفرنامه مکه (۵۰ سفرنامه حج قاجاری به کوشش رسول جعفریان) تاریخ سفر ۱۲۹۲ق، تهران - ایران، نشر علم.
۵۱. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (۲۰۰۲)، المغانم المطابة فی معالم طابة، مدینه منوره - عربستان، مرکز بحوث و دراسات المدینة المنورة.
۵۲. قشقای، ایازخان (۱۳۸۸)، سفرنامه حج (تاریخ سفر ۱۳۴۰ق)، تصحیح پرویز شاکری، تهران - ایران، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۵۳. قطب راوندی، سعید بن هبة الله (بی تا)، الخرائج و الجرائح، قم - ایران، مؤسسة الإمام المهدي عليه السلام.
۵۴. قیسی، محمد بن احمد (۱۹۶۸)، انس الساری و السارب من اقطار المغارب الی منتهی الآمال و المآرب سید الاعاجم و الاعارب، تصحیح محمد الفاسی، فاس.
۵۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹)، الکافی، تحقیق دار الحدیث، قم، مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، سازمان چاپ و نشر.
۵۶. گنجی، محمد بن یوسف (بی تا)، کفایة الطالب فی مناقب علی بن أبی طالب عليه السلام، تهران - ایران، دار إحياء تراث أهل البيت عليهم السلام.
۵۷. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۳۶۵)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، دار إحياء التراث العربي.
۵۸. محلی، حمید بن احمد (۱۴۲۳)، الحدائق الوردية فی مناقب الأئمة الزيدية، تصحیح مرتضی بن زید محطوری، صنعا - یمن، مكتبة بدر.
۵۹. مرجانی، عبدالله بن عبدالملک (بی تا)، بهجة النفوس و الاسرار فی تاریخ دار الهجرة النبوی المختار، تحقیق محمد عبدالوهاب فضل، بیروت - لبنان، دار الغرب الاسلامی. (نشر اثر اصلی ۲۰۰۲).
۶۰. مرزبانی، محمد بن عمران (بی تا)، معجم الشعراء، تحقیق فاروق اسلم، بیروت - لبنان، دار صادر.
۶۱. مسعودی، علی بن حسین (۱۳۸۴)، إثبات الوصية للإمام علی بن أبی طالب، قم -

- ایران، انصاریان.
۶۲. _____، (بی تا)، التنبیه و الإشراف، قاهره: دار الصاوی.
۶۳. مصعب بن عبدالله (۱۹۹۹)، کتاب نسب قریش، تصحیح لوی، پرووانسال، اوریست، قاهره - مصر، دار المعارف.
۶۴. مطری، محمد بن احمد (۱۴۲۶)، التعریف بما انست الهجرة من معالم دار الهجرة، تصحیح سلیمان الرحیلی، ریاض - عربستان، داره الملك عبدالعزيز.
۶۵. مفید، محمد بن محمد (۱۳۷۲)، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم - ایران، المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفید.
۶۶. مکناسی، محمد بن عبدالوهاب (۲۰۰۳)، رحلة المکناسی، تصحیح محمد بوکبوط، ابوظبی - امارات، دار السويدی للنشر و التوزیع.
۶۷. مهندس، میرزامحمد (۱۳۸۹)، الوجیزة فی تعريف المدينة (۵۰ سفرنامه حج قاجاری به کوشش رسول جعفریان) تاریخ سفر ۱۲۹۲ - ۱۴۹۴ق، تهران - ایران، نشر علم.
۶۸. نابلسی، عبدالغنی (۱۹۹۸)، الحقيقة و المجاز فی رحلة بلاد الشام و مصر و الحجاز، تصحیح ریاض عبدالحمید مراد، دار المعرفة.
۶۹. ناشناخته (۱۳۸۹)، سفر نامه مکة (۵۰
- سفرنامه حج قاجاری به کوشش رسول جعفریان) تاریخ سفر ۱۲۹۹ق. تهران - ایران، نشر علم.
۷۰. وزیر و ظایف، میرزاداوود (۱۳۸۹)، سفرنامه مکة (۵۰ سفرنامه حج قاجاری به کوشش رسول جعفریان) تاریخ سفر ۱۳۲۲ق، تهران - ایران، نشر علم.
۷۱. وصف مکة و وصف المدينة الطيبة و وصف بیت المقدس (۱۳۹۳)، العرب، ۸ (۵ و ۶).
۷۲. هدایت، مخبر السلطنه (۱۳۸۹)، سفرنامه مکة معظمه (۵۰ سفرنامه حج قاجاری به کوشش رسول جعفریان) تاریخ سفر ۱۳۲۲ق. تهران - ایران، نشر علم.

